

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 137

تاریخ انتشار: 27 اردیبهشت 1399

تعداد صفحات: 20 صفحه



بررسی ماهیت درخواست الکاظمی از ناتو

رویداد

«مصطفی الکاظمی»، نخست‌وزیر عراق، روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، در تماسی تلفنی با «پنس استولتنبرگ»، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ضمن قدردانی از این سازمان، تأکید کرد که دولت عراق توجه زیادی برای همکاری با این سازمان دارد. وی با دعوت از دبیرکل این سازمان برای سفر به بغداد در اسرع وقت، برای گفت‌وگو در مورد راه‌های افزایش سطح همکاری مشترک به‌ویژه در زمینه آموزش نیروهای نظامی و پشتیبانی از نیروهای امنیتی و رفع تمام موانع همکاری در زمینه‌های اطلاعاتی و نیز در خصوص اقدامات پیشگیرانه بهداشتی تأکید کرد. استولتنبرگ نیز ضمن تبریک تشکیل کابینه عراق بر توسعه همکاری با این کشور در مقابله با تروریسم از طریق مأموریت گروه‌های آموزشی فعال در عراق تأکید کرد و اظهار داشت که جامعه جهانی برای مقابله با چالش‌های تروریسم نیازمند همکاری با عراق است.^۱

تحلیل رویداد

«برهم صالح»، رئیس‌جمهور عراق روز ۲۱ فروردین ۱۳۹۹، مصطفی الکاظمی را مأمور تشکیل کابینه کرد و پس از کش‌وقوس‌ها و مذاکرات بسیار میان گروه‌های سیاسی عراق و الکاظمی، سرانجام روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹، با حضور ۲۳۳ نماینده از ۳۲۹ نماینده پارلمان، بخشی از اعضای کابینه وی رأی اعتماد گرفتند.

دولت الکاظمی با دو چالش یا در واقع مطالبه جدی مواجه است: نخست برگزاری انتخابات زودهنگام مطابق قانون جدید انتخابات و دوم، حل‌وفصل موضوع استمرار یا قطع حضور نیروهای نظامی آمریکایی در عراق.

به نظر می‌رسد هر دو مطالبه موافقان و مخالفان متعددی از میان بازیگران داخلی و خارجی دخیل در عراق دارد. در خصوص استمرار یا قطع حضور نیروهای نظامی آمریکایی، دولت الکاظمی با «مصوبه پارلمان عراق در راستای الزام دولت به اخراج نظامیان آمریکایی» مواجه است که چند روز پس از ترور نمادهای مقاومت ایرانی و عراقی به تصویب پارلمان این کشور رسید.



اگرچه موضوع «اخراج نظامیان آمریکایی از عراق» در عرصه رسمی و غیر رسمی این کشور، کلید خورده است ولی به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا از این محصنه‌ها رهایی یابند و موضوع یادشده را به محاق ببرند یا به واسطه حضور گسترده ناتو آن را جبران نمایند.

از سوی دیگر، آمریکایی‌ها به هر بهانه‌ای متوسل شده‌اند تا نیروهای خود را در عراق ابقاء نمایند و حتی در بسیاری موارد پا را فراتر گذاشتند و به تهدید مقامات و دولت عراق روی آوردند؛ حتی تلاش‌های مذبحانه در جهت «ناکافی بودن توان نیروهای نظامی - امنیتی عراق در مواجهه با تروریسم» مطرح و بزرگ‌نمایی می‌شود. آنچه مسلم است اینکه موضوع خروج آمریکایی‌ها و به عبارتی بهتر اخراج نظامیان آمریکایی از منطقه (و حتی تلاش در راستای فرار آنها)، جزو خطوط قرمز آمریکایی‌هاست و صرفاً در بزنگاه‌های خاص همانند زمان انتخابات یا به عنوان مباحث دانشگاهی و آکادمیک از سوی نخبگان سیاسی آمریکایی مورد توجه و بهره برداری قرار می‌گیرد و براساس داده‌ها و گزارش‌های خود آمریکایی‌ها و نوع مواجهه آنها در عرصه عمل، آنها هیچ‌گاه حاضر به ترک منطقه غرب آسیا (یا اصطلاحاً خاورمیانه) نیستند. این مهم پس از برجسته شدن موضوع خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق در پارلمان این کشور در دی ماه ۱۳۹۸، روشن تر شد.

تحولات دی ماه ۱۳۹۸ در عراق و پیش کشیدن بحث خروج نظامیان آمریکایی از عراق و متعاقب آن نگرانی و اعتراض شدید دولتمردان آمریکایی به خوبی نشان داد که آمریکایی‌ها تمایلی برای خروج (یا اخراج) از منطقه ندارند و حتی در صورت بروز زمزمه‌هایی در خصوص آن، دولتمردان و مقامات آمریکایی به شدت در مقابل آن مقاومت خواهند کرد. این موضوع در تهدید مقامات آمریکایی به «قطع یا مسدود کردن حساب بانکی فروش نفت عراق در بانک‌های مرتبط آمریکایی»، «تهدید به اخذ غرامت و خسارت‌های جنگی» و همچنین «اخذ هزینه‌های ساخت و ساز پایگاه‌های آمریکایی در عراق» کاملاً روشن گردید.

البته در بازه زمانی تعیین تا تأیید الکاظمی، آمریکایی‌ها در مواضعی متعدد تلاش کردند تا الکاظمی را بر کرسی نخست‌وزیری بنشانند و حتی سفیر آمریکا در بغداد در مداخله‌ای آشکار، خواستار رأی به کابینه الکاظمی و تشکیل سریع دولت وی شد که واکنش منفی برخی جریان‌های سیاسی عراق مانند دولت قانون را در پی داشت.

به هر حال در برهه کنونی، آمریکایی‌ها موضع تأییدآمیز خود نسبت به دولت الکاظمی را پنهان نکرده‌اند. در این راستا، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا ضمن استقبال از تشکیل دولت





الکاظمی، از معافیت‌های ۱۲۰ روزه بغداد برای خرید انرژی (به‌ویژه برق) از ایران خبر داد که به‌نوعی نشان‌دهنده اعطای برخی امتیازات ویژه به دولت الکاظمی است.

به‌طور کلی، اکنون دعوت الکاظمی از دبیرکل ناتو برای سفر به عراق و رایزنی‌ها برای همکاری بیشتر، نشانگر «حزم و احتیاط» الکاظمی در میانه موضوع «روابط با جمهوری اسلامی ایران و آمریکا» است و به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای وی برای غلبه بر چالش مهم پیش روی دولتش می‌باشد. بنا به گفته یکی از کارشناسان سیاسی (حسن هانی‌زاده)، در واقع الکاظمی در روابط عراق با آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، عصا را از وسط گرفته است.^۱

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد الکاظمی به‌واسطه «نوعی هوشمندی ملی‌گرایانه عراقی» در تلاش است در چارچوب همکاری گسترده‌تر با «ناتو»، روابط عراقهم با جمهوری اسلامی ایران و هم با آمریکا را - که در واقع در تقابل با یکدیگر قرار دارند - حفظ کند، اما آنچه مهم است اینکه، حضور گسترده ناتو در عراق و بر عهده گرفتن آموزش‌های نظامی و امنیتی ارتش و نهادهای نظامی - امنیتی عراق، با برخی تهدیدها برای فعالیت‌های آینده نهضتی مواجه است.

به هر حال، «ناتو» سازمانی متشکل از برخی کشورهای اروپایی، ترکیه و خود آمریکاست که حضور گسترده آن در عراق، چندان با منافع و مصالح آمریکایی‌ها در تضاد قرار ندارد، و به واقع نوعی آمریکا با چهره گسترده‌تر است، اما مسلماً چارچوب فعالیت‌های آن، محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌ها و برنامه‌های محور مقاومت ایجاد خواهد کرد. بنابراین، جریان‌های سیاسی عراقی به‌ویژه جریان‌های اسلام‌گرای شیعی همسو با محور مقاومت، باید با دقت بیشتری «همکاری ناتو با عراق» را مورد توجه و رصد قرار دهند.

محور مقاومت برای «مواجهه با آمریکایی‌ها» و «اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیا به ویژه عراق» به طیف گسترده‌ای از اقدامات در ابعاد ایجابی و سلبی نیاز دارد. در این راستا، بازتعریف و گسترش جغرافیا و موضوع مقاومت باید در مسیر «نقشه راه ترسیم شده» مورد توجه قرار گیرد.



خروج سامانه‌های پاتریوت از عربستان سعودی

رویداد

دونالد ترامپ در پی ساقط شدن هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده بر فراز خلیج فارس به دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین حمله حوثی‌ها به تأسیسات نفتی آرامکو سعودی دستور داد نیروهای بیشتری به منطقه اعزام شوند تا عاملی بازدارنده در مقابل ایران و گروه‌های منطقه‌ای وابسته به کشورمان تشکیل شود. تصمیم استقرار سامانه‌های موشکی پاتریوت و چهار سیستم راداری و اعزام ۲۰۰ سرباز به عربستان سعودی در ماه سپتامبر برای پوشش بیشتر پدافند هوایی این کشور اتخاذ شد.

برپایه داده‌های رسمی و غیررسمی اخیراً مشخص شده است ارتش آمریکا تلاش دارد سامانه‌های پدافندی مستقر در عربستان را از این کشور خارج کند. براساس گزارش‌ها، مقدمات این کار مهیا شده و قرار است این سامانه‌ها به جای دیگری انتقال یابند. حال این سؤال مطرح است که دلایل و اهداف ترامپ برای چنین تصمیمی چه بوده و آیا آمریکا در تلاش است در آینده حضور خود را در خلیج فارس کاهش دهد؟

تحلیل رویداد

وزیر امور خارجه آمریکا، مایک پومپئو، هفته گذشته خبرهای رسانه‌ای مبنی بر اینکه سامانه‌های پاتریوت از عربستان خارج خواهد شد، تأیید کرد، اما گفت که این اقدام نشان‌دهنده کاهش حمایت ایالات متحده از عربستان سعودی یا تلاشی برای فشار آوردن به ریاض بر سر مسائل نفتی نیست. وی همچنین اظهار داشت این بدان معنی نیست که ادراکات امنیتی واشنگتن در قبال ایران تغییری کرده است. وزیر خارجه آمریکا در ادامه گفت این سامانه‌ها مدتی در عربستان مستقر بودند و در حال حاضر ارتش و تجهیزات نظامی این کشور در حال چرخش طبیعی نیروهای خود هستند. به زعم برخی تحلیلگران غربی، این حضور لجستیکی آمریکا در عربستان تا حد زیادی عاملی بازدارنده در برابر ایران محسوب می‌شد. اخیراً برخی مقامات پنتاگون گزارش داده‌اند که این تغییرات به این دلیل است که ایران دیگر «تهدید فوری برای منافع استراتژیک آمریکا» محسوب نمی‌شود. وزیر خارجه آمریکا در واکنش به این اظهارنظرها، گفت تهدید ایران هنوز برای آمریکا تمام نشده است. به نظر می‌رسد آنچه تغییر کرده تمایل یا نیاز آمریکا به حمایت از دارایی‌های نفتی خارجی است.



با توجه به قیمت پایین نفت که برای صنعت نفت آمریکا (با توجه به هزینه بالای تولید) صرفه اقتصادی ندارد، دیگر نیازی به حضور راهبردی آمریکا برای جلوگیری از تنش‌های نظامی در مناطق نفتی خارجی نیست. در حال حاضر مقامات آمریکایی اظهار می‌دارند که نفع راهبردی ایالات متحده آن نیست که سربازان آمریکایی را به خطر بیندازد و متعهد به حفاظت نظامی از تأسیسات نفتی شود و از افزایش قیمت نفت جلوگیری کند.

برخی دیگر از تحلیلگران این جابه‌جایی نیرو را نشانه‌ای برای تحت فشار قرار دادن بن سلمان در نظر می‌گیرند، زیرا ایالات متحده از جنگ نفتی میان عربستان و روسیه ابراز نارضایتی کرده است. ترامپ ماه گذشته تلاش کرد عربستان سعودی را متقاعد کند که پس از افزایش تولید در مراحل ابتدایی شیوع ویروس کرونا در جهان، حجم تولید نفتی خود را کاهش دهد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که رئیس‌جمهور آمریکا اواخر ماه آوریل به رهبران سعودی اولتیماتوم داده بود. در تماس تلفنی در تاریخ ۲ آوریل، ترامپ به محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، تذکر داد که اگر سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) شروع به قطع تولید نفت نکند، وی قادر به جلوگیری از تصویب طرح نمایندگان مجلس آمریکا برای خروج نیروهای آمریکایی از عربستان سعودی نیست.

هفته قبل از این تماس تلفنی، سناتورهای جمهوری خواه، کوین کرامر^۱ و دن سالیوان^۲، با ارائه طرحی به دنبال تصویب قانونی برای حذف همه نیروهای آمریکایی، سامانه‌های پاتریوت و سیستم‌های دفاع ضد موشک از عربستان سعودی بودند مگر اینکه عربستان سعودی تولید نفت خود را کاهش دهد.

برخی دیگر از تحلیلگران مدعی هستند که دولت ترامپ در تلاش است از گسترش نفوذ نظامی ایران در منطقه جلوگیری کند؛ در عین حال به طور فزاینده نگران مقابله با چین در حال ظهور است. برای چنین تقابلی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است که منابع کافی برای پیشبرد این راهبرد ندارد. وزیر دفاع آمریکا، مارك اسپر^۳، بارها و بارها بر فعالیت‌ها و اقدامات نظامی پکن در دریای جنوبی چین به مقامات واشنگتن هشدار داده است.

نتیجه‌گیری

خروج سامانه‌های پاتریوت از عربستان، همان‌طور که بیان شد، می‌تواند بر پایه دو هدف اصلی تحت فشار قرار دادن عربستان سعودی و راهبرد گردش به شرق آمریکایی‌ها باشد. جنگ نفتی میان

1. Kevin Cramer
2. Dan Sullivan
3. Mark Esper





روسیه و عربستان، مقامات سعودی را بر آن داشت برای از دست ندادن بازارهای نفتی، ظرفیت تولید نفتی خود را نه تنها کاهش ندهند بلکه افزایش دهند. در طرف مقابل، آمریکا که خود اولین تولیدکننده نفت با بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز است، از جنگ نفتی میان روسیه و عربستان متضرر شده است. با توجه به هزینه‌های بالای تولید نفت این کشور که بیشتر در حوزه‌های فراساحلی قرار دارد، عملاً تولید و فروش نفت آمریکا، به ویژه نفت شیل، صرفه اقتصادی ندارد و قابل رقابت با نفت ارزان منطقه غرب آسیا و روسیه نیست. از طرف دیگر، راهبرد گردش به شرق نیروهای آمریکایی و تلاش برای مهار چین که از دوره اوباما شروع شده یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی آمریکاست. در این میان موضوع کنترل ایران و خلیج فارس نیز یکی از اولویت‌های آمریکایی‌ها برای مقابله با قدرت‌یابی هر چه بیشتر چین در آینده محسوب می‌شود.



ماهیت درخواست مذاکره روسیه از آمریکا در رابطه با کنترل تسلیحات

رویداد

یکی از موضوع‌های مهمی که در تماس‌های مقامات روسیه و آمریکا طی سال ۱۳۹۸ و ابتدای ۱۳۹۹ مطرح شده، ثبات راهبردی و کنترل تسلیحات بوده است. روسیه بار دیگر در اواخر فروردین ۱۳۹۹ آمریکا را به انجام مذاکرات درباره کنترل تسلیحات فراخواند. این درخواست که از زبان سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه و نماینده ریاست جمهوری در مذاکرات هسته‌ای، بیان شد، موضوع عدم استقرار تسلیحات در فضا را مهم و اساسی جلوه داد. ناگفته نماند این درخواست در سال ۲۰۱۹/۱۳۹۸ از طرف آمریکا رد شده بود.

در این یادداشت سعی خواهد شد ماهیت درخواست روسیه از آمریکا و به نوعی دلایل و چرایی این درخواست تبیین شود.

تحلیل رویداد

کنترل تسلیحات یک رژیم بین‌المللی است که در راستای کاهش احتمال جنگ عمل می‌کند؛ یعنی رژیم کنترل تسلیحات هنجارها، قواعد و ارزش‌هایی را به طرفین اعمال می‌کند که با اجرا شدن آنها، همکاری میان طرفین درگیر برای کاهش احتمال جنگ افزایش پیدا می‌کند. در واقع، کنترل تسلیحات تلاشی برای تقویت صلح و ثبات بین‌المللی است که با کاهش تعداد سلاح‌ها، قدرت و توان تخریب و محدود کردن مناطق جغرافیایی برای استقرار سلاح‌ها صورت می‌گیرد. کنترل تسلیحات در کنار بازدارندگی، نیروهای نظامی و دفاعی و دکترین مناسب دفاعی، ابزاری برای امنیت و ثبات است. اگرچه رژیم کنترل تسلیحات، تسلیحات متعارف را نیز دربرمی‌گیرد، اما محور اصلی در این رژیم تسلیحات هسته‌ای است.

روسیه نیز به دنبال منافع است که از دل رژیم کنترل تسلیحات بیرون می‌آید. در خصوص تمایل روسیه به مذاکره با آمریکا درباره کنترل تسلیحات به چند دلیل می‌توان اشاره کرد:

۱. حفظ ثبات راهبردی نظام بین‌الملل: بخشی از تمایل مسکو به مذاکرات راهبردی مانند کنترل تسلیحات، به منافع کلان روسیه در نظام بین‌الملل برمی‌گردد. روسیه خواهان حفظ وضع موجود در نظام بین‌الملل است؛ به این معنا که از نظر مسکو، باید مانع از تکثیر قدرت در نظام بین‌الملل موجود شد. بر همین اساس مسکو همواره علاقه‌مند بوده است مشکلات اساسی جهانی را با مشارکت اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل حل و فصل کند. یکی از شرایط و عوامل



مهم تحقق این هدف (عدم تکثیر قدرت)، ممانعت از تکثیر سلاح‌های راهبردی، از جمله سلاح‌های اتمی است. بر همین اساس، مقامات روس همواره اعلام کرده‌اند برای بررسی مسائل مربوط به تقویت ثبات جهانی، از جمله امکان امضای توافق‌نامه جدیدی درباره کنترل تسلیحات به ویژه تسلیحات هسته‌ای آماده مذاکره با همه شرکای غربی خود، به ویژه ایالات متحده هستند.

۲. مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های موشکی خود: نگاه روسیه به این موضوع، نگاهی امنیتی است. از نظر مسکو، طی سال‌های گذشته تهدیدهای نظامی نه تنها همواره وجود داشته، بلکه ابعاد و توان تازه‌ای نیز پیدا کرده‌اند. به همین دلیل روسیه باید با ارتقای قدرت موشکی و تسلیحاتی، خود را در برابر آن بیمه کند. در حالی که آمریکا و کشورهای اروپایی همواره نسبت به این فعالیت‌های روسیه معترض بوده و آن را عاملی برای تضعیف صلح و ثبات دانسته‌اند. روسیه برای خنثی کردن این اعتراض‌ها، برطرف کردن موانع احتمالی و هموار کردن مسیر آزمایش‌های موشکی و تسلیحاتی خود، مایل به مذاکره درباره کنترل تسلیحات بوده است. به عبارت دیگر، روسیه به دنبال مشروعیت‌بخشی به پیشرفت‌های موشکی خود و به عبارت بهتر، گمراه کردن جامعه بین‌الملل است.

۳. محدود کردن آمریکا در توسعه و پیشرفت تسلیحات: روس‌ها واقف‌اند که ترامپ در سیاست بین‌الملل منطق تهاجمی را دنبال و براساس مفروض‌های آن عمل می‌کند. در این منطق، تهدید و حمله زمانی صورت می‌گیرد که مهاجم یا تهدیدکننده خود را در موقعیت برتر از طرف مقابل ببیند. بدون تردید ترامپ براساس تصورات خود، موقعیت آمریکا را از نظر تسلیحات راهبردی برتر می‌داند. منطق تهاجمی آمریکا قبول نمی‌کند که اگر در موقعیت ضعیف‌تری قرار داشته باشد، معاهدات کنترل تسلیحاتی - مانند پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد یا INF^۱ - را که طرف مقابل و قدرت نظامی آن را محدود می‌کند، زیر پا بگذارد.

روسیه با توجه به این آگاهی، به دنبال این است که تا حد امکان توسعه تسلیحات آمریکا را محدود کند؛ در غیر این صورت هیچ‌گونه مذاکره‌ای را در خصوص کنترل تسلیحات نمی‌پذیرد. روس‌ها همواره اعلام کرده‌اند که یک پیش شرط جدی برای آغاز گفت‌وگوها برای کنترل تسلیحات وجود دارد که قابل کنار گذاشتن نیست و آن موافقت آمریکا با بحث کردن درباره پروژه‌ها و برنامه‌های تسلیحاتی روسیه است که باعث نگرانی آمریکایی‌ها شده است. مسکو نمی‌تواند با واشنگتن بر سر سلاح‌های مافوق صوت خود گفت‌گو کند بدون آنکه درباره پروژه‌های مافوق صوت آمریکا و برنامه‌های این کشور به منظور ایجاد یک سیستم جهانی ضد موشکی و استقرار تسلیحات در فضا بحث جامعی صورت



بگیرد و این یک پیش شرط برای چنین گفت‌وگویی است. روسیه نمی‌تواند این پروژه‌های ارتش آمریکا را نادیده بگیرد، زیرا آن را به طور جدی در حوزه راهبردی، بی‌ثبات‌کننده می‌داند.

۴. تلاش برای دور شدن از رقابت تسلیحاتی: با خروج دونالد ترامپ از INF، روسیه نیز از این پیمان خارج شد. روس‌ها بر این باورند که ممکن است این تهدید و نقض پیمان یک طرفه، به توافق‌ها و پیمان‌های دیگر نیز سرایت کند. میان روسیه و آمریکا معاهده دیگری به نام «استارت»^۱ وجود دارد که براساس آن هر دو طرف کاهش تسلیحات راهبردی تهاجمی را در دستورکار خود قرار داده‌اند. با خروج احتمالی ترامپ از INF معاهده استارت نیز که تا سال ۲۰۲۱ زمان دارد، اعتبار و ضمانتی نخواهد داشت که در این صورت رقابت تسلیحاتی به صورت آشکار ادامه خواهد داشت. اگرچه تا به حال رقابت تسلیحاتی از بین نرفته و فقط افزایش کمیت موشک‌ها جای خود را به افزایش کیفیت داده است، اما پس از این، رقابت به صورت آشکار خواهد بود.

با این حال روسیه نمی‌خواهد خود را درگیر یک مسابقه تسلیحاتی جدیدی کند که جنبه راهبردی دارد، زیرا حضور در چنین مسابقه‌ای، علاوه بر ایجاد ناامنی بیشتر در سطح بین‌الملل، هزینه‌های مالی زیادی برای روسیه دارد. در حالی که وضعیت اقتصادی روسیه برای چنین رقابتی آماده نیست و در این شرایط بهتر است چنین هزینه‌هایی صرف بهبود و توسعه اقتصاد شود. بنابراین، موافقت با رژیم کنترل تسلیحات به معنای پایان رقابتی است که هزینه‌های سنگینی را تحمیل خواهد کرد.

مطابق اظهارات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در اواخر سال ۱۳۹۸/۲۰۱۹، مسکو آماده است استارت جدید را بلافاصله و بدون هیچ پیش شرطی تمدید کند؛ اما دولت ترامپ هنوز تصمیم خود را در مورد آینده توافق اتخاذ نکرده است. اظهارنظرهای مقامات آمریکایی حکایت از آن دارد که واشنگتن ترجیح می‌دهد به دنبال معاهده‌ای جامع‌تر باشد که انواع سلاح‌های هسته‌ای و نیز کشور چین را شامل شود.

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت:

- تمایل روسیه به مذاکره با آمریکا درباره کنترل تسلیحات ناشی از منافع کلان امنیتی، نظامی و اقتصادی روسیه است.

- در موضوع فوق، روسیه بیشتر نگاه امنیتی دارد.

- روسیه به نقش اساسی و انکارناپذیر آمریکا در کنترل تسلیحات و صلح و ثبات ناشی از آن

اذعان دارد.



بررسی روابط پنهانی رژیم صهیونیستی و تونس

رویداد

تونس حبيب بورقيبه (۱۳۳۵-۱۳۶۵)، تونس بن علي (۱۳۶۵-۱۳۹۰)، تونس سکولار فرانکفوني و تونس غرب زده همواره در خط سازش با صهيونيست ها و در خدمت سياست هاي غرب استعمارگر بوده است. بعد از خيزش اسلامي مردم تونس در سال ۱۳۹۰، به رغم مخالفت ملت و جريان هاي سياسي در داخل تونس با رژيم غاصب صهيونيستي و قطع روابط همه جانبه با آن، شاهد روابط پنهاني دولت هاي بعد از بن علي با اسرائيل بوده ايم.

با روي کار آمدن رئيس جمهور قيس سعيد، مردم و جريان هاي سياسي و انقلابي تونس اهداف انقلاب ياسمين يعني قطع روابط پنهان با رژيم صهيونيستي را از حکومت جديد انتظار دارند. در مقابل اتاق هاي فکر صهيونيست براي برقراري روابط غير رسمي با تونس طرح ها و شيوه هاي گوناگوني را دنبال مي کنند، از جمله ورود گردشگران اسرانيلي و اعطاي ويزا، انتخاب فردي دوتابعيتي در بدنه دولت تونس، ايجاد کانال تجاري با تونس توسط شرکت هاي وابسته اسرانيلي، رابطه با احزاب داخلي تونس، عادي سازي روابط ورزشي با ورزشکاران تونس و

تحليل رويداد

عادي سازي روابط تونس و صهيونيست به اوایل دهه ۱۹۵۰ باز می گردد که حبيب بورقيبه، هادی نویره، محمد مصمودی و ساير رهبران «حزب آزاد مشروطه جديد» از طريق سفرای خود در پاریس با رژيم صهيونيستي تماس برقرار کردند. شروع تماس بين هيئت صهيونيستي به سرپرستي رافائل جدعون و هيئت تونسي به سرپرستي الباهي الأدغم در مقر سازمان ملل در نيويورک در سال ۱۳۳۰ بود که موضوع استقلال تونس مطرح شد. طی آن جلسه تونسي ها سعی کردند صهيونيست ها و آمريکايي ها را قانع کنند که روابط دولت مستقل آینده با صهيونيست ها خصمانه نخواهد بود و هيچ گونه اقدام خصمانه ای عليه آن انجام نخواهد شد. جلسه بعدی بين رئيس جمهور حبيب بورقيبه و سفير رژيم صهيونيستي در فرانسه، يعقوب تسور، در ۱۳۳۴ برگزار شد. تونسي ها سعی در ترغيب رژيم صهيونيستي براي پشتيبانی از نبرد خود براي استقلال داشتند، اما صهيونيست ها آگاه بودند که نبايد منافع آنها با فرانسه قربانی منافع حاکمان بعدی در تونس شود.^۱ پس از استقلال،

۱. توفيق المديني، التطيع بين تونس والكيان الصهيوني .. الوقائع والدلالات، يونيو ۱۶، ۲۰۱۹، <http://almajd.net>



روابط پنهانی تونس با مقامات صهیونیستی برای جلب حمایت از لابی مالی و سیاسی صهیونیستی در اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا همچنان ادامه پیدا کرد. تونس‌ها با برقراری روابط با صهیونیست‌ها توانستند آژانس‌های جهانگردی اروپا را به پشتیبانی از بخش گردشگری و افزایش سهم تونس از گردشگری در دهه اخیر ترغیب کنند. برای رژیم صهیونیستی بعد پنهان روابط با تونس بسیار مهم‌تر از روابط آشکاری است که مردم و روشنفکران تونس از آن آگاهی دارند و در مقابل حکومت تونس نگران واکنش‌های مخالفان داخلی در برابر آشکار شدن روابط پنهانی صهیونیستی است.

فعالیت سیاسی رژیم صهیونیستی در تونس

الف) دین و جهانگردی و عادی‌سازی سیاسی

عادی‌سازی بی‌وقفه و با تلاش مستمر در جهان عرب بین تونس و رژیم صهیونیستی تحت شعار همزیستی مسالمت‌آمیز بین ادیان و برقراری صلح واقعی بین تمدن‌ها و مذاهب، از طریق گفت‌وگو در حال رخ دادن است و این روند برای آینده تونس نیز با عناوین و ترفندهای مختلف متصور خواهد بود.

۱. زیارت کنیسه «الغریبه»: هزاران یهودی از کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی برای زیارت کنیسه الغریبه^۱ در جزیره «جربه»^۲ در جنوب شرقی تونس به این کشور سفر می‌کنند. این اقدام تغییری کیفی در روند عادی‌سازی است که احتمالاً به گسترش روابط در زمینه‌های مختلف بین تونس و موجودیت رژیم صهیونیستی در آینده خواهد انجامید.^۳

اردیبهشت ۱۳۹۸ حدود هفت هزار یهودی برای اجرای مراسم سالانه «بازدید از الغریبه» وارد تونس شدند. بیشتر بازدیدکنندگان که از کنیسه یهودیان بودند، عمدتاً در اسرائیل، کانادا، ایالات متحده و فرانسه زندگی می‌کردند.^۴ اما امسال به علت شیوع بیماری کرونا، رهبر جامعه یهودیان در جربه، بیریز طرابلسی، از لغو این مراسم خبر داد و اعلام کرد کنیسه الغریبه باز نخواهد شد تا

۱. معبد «الغریبه» با قدمتی نزدیک به ۲۶۰۰ سال، از معابد یهودی بزرگ و قدیمی آفریقا و جهان به شمار می‌رود. این معبد در جزیره توریستی جربه، تقریباً در ۵۸۰ کیلومتری جنوب شرقی پایتخت تونس واقع شده است. ساخت آن به دوران روم باز می‌گردد. اعتقاد بر این است که حاوی سنگی از معبد سلیمان است و همچنین قدیمی‌ترین نسخه تورات را در راهروهای خود حفظ کرده است.

۲. جربه در جنوب شرقی تونس در حدود ۱۵۰ کیلومتری مرز لیبی با مساحتی حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی تقریباً ۱۶۰ هزار نفر واقع شده است و جزیره «رؤیاها» نامیده می‌شود. این نام برگرفته از اولین مقصد گردشگری در تونس است. تعداد بازدیدکنندگان این جزیره سالانه بین ۱/۸ تا ۲ میلیون نفر است (بین گردشگران خارجی و تونس‌ها). در حالی که ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ یهودی از معبد الغریبه بازدید می‌کنند.

۳. توفیق المدینی، التطبیع بین تونس و الکیان الصهیونی .. الوقائع والدلالات، یونیو ۱۶، ۲۰۱۹.

<http://almajd.net>



زمانی که ویروس کاملاً از بین برود.^۱

۲. انتصاب وزیر یهودی در کابینه دولت تونس: انتصاب رونی طرابلسی،^۲ تاجر یهودی تونس، به عنوان وزیر گردشگری در دولت یوسف الشاهد در آبان ۱۳۹۷ نوعی عادی سازی با رژیم صهیونیستی محسوب می شد. احزاب و اتحادیه ها و جریان های مردمی تونس به مخالفت با اقدامات وزیر گردشگری به پا خاستند و در تظاهراتی خواستار برکناری وی شدند.^۳

۳. آژانس های مسافرتی تونس - اسرائیل: کمپین تونسسی «تحریم دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل» (TACBI)، اتحادیه عمومی کار تونس، جریان مردمی، جریان دموکراتیک، حزب جمهوری خواه، حزب مسیر سوسیال دموکرات، حزب کارگر و جنبش خلق، در بیانیه مشترکی در ۱ خرداد ۱۳۹۸ اعلام کردند آژانس مسافرتی تونس، «تونیزیا بای ترافل»،^۴ ماه هاست در این کشور فعالیت می کند. این کار با هماهنگی مقامات اشغالگر قدس برای اخذ ویزای ترانزیت به کرانه باختری و قدس انجام می شود. امضاکندگانی این بیانیه از دولت تونس خواسته اند به این معاملات غیرقانونی با دشمن صهیونیستی پایان دهد و مجوز را از همه آژانس های مسافرتی درگیر در آن خارج کند و افراد مسئول را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.^۵ با معرفی و روی کار آمدن وزیر گردشگری جدید، محمد علی التومی،^۶ در کابینه الیاس الفخفاخ، انتظار می رود وزیر سکولار و عضو حزب البدیل تونس روند عادی سازی را همچون گذشته با تدابیر امنیتی با رژیم اشغالی، البته بعد از عبور از شرایط فعلی و بیماری کوید ۱۹، ادامه دهد.

۴. حضور دیپلمات های اسرائیلی در تونس: روزنامه لبنانی الاخبار از یک منبع موثق خبر داد دیپلمات های اسرائیلی در حال حاضر به طور غیر رسمی در تونس حضور دارند. اطلاعات موجود در این روزنامه به مورت فریدمان، رئیس لابی هوادار اسرائیل در ایالات متحده (AIPAC) منتسب است. مورت فریدمان در جلسه ای که با اعضای یک کلیسای صهیونیستی مسیحی در ایالت نیوجرسی آمریکا داشت، موفقیت اسرائیل را در برقراری روابط با کشورهای عربی در خارج از منطقه خلیج فارس تأیید کرد و گفت: «جایی که هم اکنون دیپلمات های غیر رسمی اسرائیلی حضور دارند، کشور تونس است».^۷

۵. احزاب موافق عادی سازی سیاسی: منذر قفراش، رئیس جبهه نجات تونس و عضو کمپین ملی تونس،

۱. روزنامه «العرب»، کوید-۱۹ یغلق ابواب کنیس الغربیه فی وجه الیهود، س ۴۲، ش ۱۱۶۸۵، چهارشنبه، ۲۲/۰۴/۲۰۲۰.

۲. سومین وزیر یهودی در تاریخ معاصر تونس است.

۳. الراي الجديد، ۱۸ فبرایر ۲۰۲۰، rayaaljadid.com

4. Tunisia Bay Travel

۵. توفیق المدیني، التطبيع بین تونس و الکیان الصهیونی .. الوقائع والدلالات، یونیو ۱۶، ۲۰۱۹،

<http://almajd.net>

۶. از مؤسسين حزب البدیل تونس است.

۷. أحمد عباس، العدو الصهیونی فی تونس: تسارع نسق التطبيع، ۱۹ کانون الثاني ۲۰۱۹، <https://al-akhbar.com>





پیام مخفی راشد الغنوشی در ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ را منتشر کرد. این پیام خطاب به هوارد کوهر، مدیرعامل کمیته روابط عمومی اسرائیل- آمریکا در واشنگتن، بود و نشان از همکاری پنهان بین جنبش اخوانی تونس و لابی یهودی در ایالات متحده آمریکا داشت. غنوشی از این لابی تقاضای حمایت از فعالیت‌های جنبش اخوان کرد. علاوه بر این، دختر رئیس جنبش اسلامی النهضه در تونس به عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی متهم شد، چون در مؤسسه تحقیقاتی «یاسمین» در نشستی علمی با عنوان «خطرهای غیر متعارف امنیت» که برگزارکنندگان آن مظنون به ارتباط با اسرائیل هستند، شرکت کرده بود.^۱

منذر قفراش در بیانیه‌ای که در صفحه فیس‌بوک خود منتشر کرد، اظهار داشت: راشد الغنوشی در پیامی به هوارد کوهر در ۲۱ بهمن مواضع رئیس‌جمهور تونس، قیس سعید را که ضد اسرائیل است، رد می‌کند؛ با این حال به عنوان رئیس پارلمان و رئیس حزب حاکم در دوره جدید، هیچ قانونی برای مجازات عادی‌سازی با اسرائیل در پارلمان تصویب نمی‌کند. مطابق اظهارات منذر قفراش، دولت النهضه در چند نوبت به هیئت‌های گردشگری اسرائیل اجازه سفر به تونس داده است و مانع محاکمه شهروندان تونسی که به اسرائیل رفته‌اند، شده است.^۲

۶. تصویب نشدن قانون مجرمانه عادی‌سازی: جناح‌های پارلمانی چپ و ناسیونالیست لایحه‌ای را برای مجازات عادی‌سازی با صهیونیست آماده کرده‌اند که از سال ۱۳۹۱ تا کنون در پارلمان تصویب نشده است. دلیل آن تکرار مواضع سیاسی و حزبی در تونس در رابطه با امتناع از عادی‌سازی از یک سو و فقدان هرگونه تمایل به تصویب قانونی در پارلمان علیه عادی‌سازی است. می‌توان گفت احزاب و نمایندگان مردمی با ادامه روابط پنهانی حکومت با رژیم صهیونیستی هم‌رأی و هم‌نظرند.

۷. رئیس‌جمهور قیس سعید و رژیم صهیونیستی: قیس سعید موضع خود را به طور واضح در دوره نامزدی ریاست‌جمهوری درباره مسئله عادی‌سازی با رژیم اسرائیل اعلام و آن را «جنایت و خیانتی بزرگ» توصیف کرد. وی همچنین اظهار داشت: اگر کرسی ریاست‌جمهوری را به دست آورد، اجازه ورود به کسی با گذرنامه اسرائیلی به تونس را نخواهد داد.^۳ مواضع قیس سعید در قبال مسئله فلسطین مورد توجه فلسطینی‌ها قرار گرفت و برخی وی را «نامزد فلسطینی‌ها در ریاست‌جمهوری تونس» توصیف کردند. حال باید دید که آیا رئیس‌جمهور منتخب موفق خواهد شد یا اینکه احزاب و وزیران و کابینه همچنان ارتباط پنهانی خود را با لابی‌های آمریکایی و رژیم صهیونیستی ادامه خواهند داد.



۱. اتهام ابنة زعيم إخوان تونس بالتطبيع مع إسرائيل، <https://24.ae/article/532446>

۲. احمد عرفه، فضيحة تكشف تطبيع حركة النهضة مع "تل أبيب"، <https://www.youm>

۳. آدم يوسف، هل بات قيس سعيد مرشح الفلسطينيين لرئاسة تونس؟، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹،



نویسنده تونس، طیب الغیلوفی، به سایت خبری «عربی ۲۱» گفت: سعید پیشینه انقلابی دارد، اما سیاست خارجی تونس تفاوت چندانی نخواهد داشت، زیرا او به «صدور انقلاب» اعتقادی ندارد، و هیچ وابستگی عقیدتی هم ندارد.^۱

۸. ورزشکاران تونس و عادی سازی: در جام بین المللی فدراسیون تنیس که در ۱۶ بهمن ۱۳۹۸ در فنلاند برگزار شد، بانوان تونسی دو بازی با تیم رژیم صهیونیستی انجام دادند. وزارت امور خارجه در بیانیه ای اظهار داشت: «مسابقه تیم ملی تنیس بانوان با رژیم اشغالگر اسرائیل در چارچوب مسابقات بین المللی جام حذفی فدراسیون که در حال حاضر در پایتخت فنلاند برگزار می شود، تخلف از تعهدات تونس و تعهدات تاریخی در قبال فلسطین است.»

رئیس جمهور تونس، قیس سعید، خواستار تحقیق درباره مشارکت یک بازیکن ملیت فرانسوی و اسرائیلی در مسابقات بین المللی تنیس در پایتخت تونس شد. به گزارش رسانه های تونسی، یک بازیکن اسرائیلی به نام هارون کوهن در یک مسابقات بین المللی تنیس در تونس شرکت کرد.^۲

۹. هیئت جوانان و رژیم صهیونیستی: برهان بسیس یرداین عکس هایی از فعالیت های هیئت جوانان در کنیست اسرائیل و سایر نهادهای دولتی منتشر و خاطرنشان کرد: یک کارمند تونسی در پارلمان اروپا مسئولیت هماهنگی کلی این دیدار را بر عهده دارد. سفارت آلمان در تونس با هماهنگی، ویزاهای ورودی به سرزمین های اشغالی را صادر کرده است.

برهان بسیس یرداین از سفر هیئت جوانان تونسی ابراز نگرانی کرد و آن را نوعی پیشنهاد شرم آور برای رئیس جمهور قیس سعید دانست که موضع خود را برای رد هرگونه عادی سازی با رژیم صهیونیستی ابراز کرد. وی همچنین پرسید: چگونه روبی ناتانسون اسرائیلی، مدرس دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه عبری در تل آویو و مدیر واحد برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی دفتر نخست وزیر اسرائیل، شیمون پرز، در سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ وارد تونس شد؟^۳

ب) عادی سازی اقتصادی و تجاری بین تونس و رژیم صهیونیستی

۱. کشتی اسرائیلی با پرچم ترکیه: کمپین «تحریم دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل» در تیر ۱۳۹۷ فاش کرد یک کشتی با پرچم ترکیه اما متعلق به شرکت کشتیرانی اسرائیل به صورت منظم از بندر حیفابا به تونس مشغول حمل و نقل است. این کشتی به نام کورنلیوس^۴ متعلق به شرکت کشتیرانی ارکاس ترکیه است که شرکت رژیم صهیونیستی آن را اجاره کرده است و در چارچوب توافق مشارکت میان

۱. أحمد مصطفى، كيف ستعكس "ثورية" سعيد على علاقات تونس بمحيطها؟، ۱۶ اکتوبر ۲۰۱۹، arabi21.com.

2. www.aa.com.tr/ar

۳. جلد التطبيع يعود... ما حقيقة زيارة وفد تونسي لتل أبيب؟، <https://www.aljazeera.net>

4. Cornelius A





دو شرکت، فعالیت می‌کند.

اتحادیه اصناف تونس همراه کمپین تحریم دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل در تونس خواستار تشکیل کمیته‌ای پارلمانی برای شناسایی فعالیت‌های این شرکت در تونس و تحقیق درباره دور زدن قانون این کشور از طریق شرکت‌های واسطه‌ای شدند.

تشکل‌های صنفی فلسطینی خواستار جلوگیری از لنگر انداختن کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌های وابسته به شرکت‌های اسرائیلی در تونس شدند. این تحریم‌کنندگان در پایگاه اینترنتی خود اعلام کرده‌اند از زمان تأسیس رژیم اشغالگر، شرکت کشتیرانی صهیونیستی «زیم» نقش مهمی در انتقال سلاح و مهمات برای ارتش اسرائیل داشته است.^۱

۲. کالای اسرائیلی در بازار تونس: دستمال کاغذی‌های معطر اسرائیلی در بازارهای تونس مشاهده شده است^۲ که زنگ خطری است برای عادی‌سازی تجاری با رژیم صیونیستی. حال مردم هوشیار و آگاه تونس خوب می‌دانند که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند با پخش دستمال کاغذی‌های معطر در کشورهای اسلامی، خون فلسطینی‌هایی را که به زمین ریخته است، از اذهان مردم پاک کند.

۳. شرکت کشاورزی «نیتافیم» در تونس: فناوری کشاورزی نیتافیم نخستین سرمایه‌گذار اسرائیل در جهان عرب است. این شرکت اسرائیلی حضور پررنگی در تونس دارد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی رژیم صهیونیستی در تونس تأمین مشروعیت موجودیت و شناخت خود به دیگران است. در حقیقت این رژیم درصدد خارج شدن از انزواست تا در نگاه دیگران به عنوان اشغالگر و ناقض حقوق بشر شناخته نشود.

با اینکه خیزش مردمی تونس دستاوردهای زیادی داشته، اما این کشور برای رسیدن به همه اهداف انقلابش از جمله قطع روابط همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی، همچنان راهی دراز پیش رو دارد و در حقیقت ادامه روابط مخفی با رژیم صهیونیستی همچنان برای آینده تونس متصور خواهد بود. قیس سعید با تغییر یا قطع روابط و مواضع خود علیه صهیونیست‌ها قادر نخواهد بود جلوی ارتباط پنهانی و مخفیانه احزاب سیاسی تونس با اسرائیل را بگیرد، زیرا اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی تونس محدود است.

